

شماره ۷۵ (سال هفتم، شماره ۳)، فروردین ماه ۱۳۷۱
بها: ۲/۵ دلار





نامه‌ها

دوستان عزیز پر

با درود گرم، شعری را که همین امشب تمام کرده‌ام، برایتان می‌فرستم. اجازه بدهید این بمنزله تیریک نوروزی برای همه گردانندگان محترم پر باشد. اگر چه هنوز زود است، اما بهتر از این است که دیر بشود. پس از بیماری طولانی، آن قدر کار انبار شده که بیستم آن می‌رود نتوانم بموقع خود این وظیفه زیبای شادباش‌گویی را انجام دهم.

با آرزوی شادکامی و موفقیت

ژاله [اصفهان]

لندن - انگلستان

مجله محترم پر

با سلام و آرزوهای فراوان...

از شنیدن خبر این که چند صفحه از مجله وزین پر (شماره ۷۳) را به امر معرفی کتاب بنده اختصاص داده‌اید، بسیار خوشحال و احساس شادمانی می‌کنم... با چاپ قطعاتی از اشعار معاصر کردی و اختصاص دادن یک شماره از صفحات شعر مجله به ترجمه‌های این جانب، منتی بزرگ بر گردن من گذاشته‌اید. امیدوارم ملت کرد مدام از لطف و مهربانی امثال شما دوستان نویسنده ایرانی بهره‌مند باشد...

ریوار سیوه‌یلی

استکهلم - سوئد

دوستان پر

سلام... تابستان گذشته برای دیدار خویشاوندانم از اروپا به امریکا آمده بودم و در آن جا شاهد بودم که بحث داغ روز موضوع برگشتن ایرانیان به وطن بود و تا آن جایی که بخوبی می‌دانیم تقریباً همه و از جمله بنده نگارنده سودای برگشت را در سر داریم و امیدواریم هر چه زودتر به وطن و خانه و کاشانه‌مان برگردیم. در برگشت به اروپا دیگر هموطنان این جا را هم مشتاق دیده که

سایه روشن...

در سال نو

در آغاز سال هفتاد امید می‌رفت که با پایان این دهه و آغاز دهه‌های نور و به سوی صلح و آشتی داشته باشیم. کشورمان تلاطم و نابسامانی انقلاب و جنگ تجاوزکارانه عراق را پشت سرگذارد، سیاست‌گران برآمده از انقلاب سیاست‌بازی را به کناری نهند و بجای مبارزه برای قدرت در جهت خدمت به مردم بلاکش و صبور گام بردارند.

براستی نیز در آغاز سال چنین می‌نمود که برای رسیدن به آرزوهای بالا زمینه جهانی آماده است. شوروی به سیاست مسابقه تسلیحاتی پایان داده بود و با فراخواندن نیروهای نظامی اش از کشورهای دیگر و پایان دادن به کمکهای نظامی تحریک‌کننده، دوران تنش زدایی پیش بینی می‌شد. اگر چه تب تند ملی‌گرایی کورو گنگی در جمهوریهای آسیایی برآمده بود اما امید می‌رفت که این واکنش طبیعی هفتاد سال حکومت خشن مرکزی دیری نپاید و نیاز متقابل این جمهوریها به یکدیگر برای رسیدن به دوران رفاه و بهروزی سران این جوامع را بهوش آورد تا از درگیریهای بیحاصل و فرسایشی پرهیزند.

با افسوس باید پذیرفت که چنین نشد. و در پایان سال هفتاد - نه در درون کشورمان و نه در بیرون آن - کمتر نشانی از عاقبت دیده می‌شود. اما آیا آنچه در سال گذشته بدان دست نیافتیم در سال نو دست یافتنی تواند بود؟

اجلاس سران «اکو»

در این ماه نخستین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی (اکو) با شرکت روسای جمهور ایران، ترکیه و پاکستان در تهران برگزار شد. این سازمان که تجدید حیات سازمان همکاریهای عمران منطقه‌ای دوران گذشته، است قرار است اقدامات گسترده‌ای در ابعاد مختلف همکاریهای اقتصادی، بازرگانی، کشاورزی، صنعتی، علمی، فرهنگی، آموزشی، فنی، حمل و نقل و ارتباطات و غیره انجام دهد.

با پیشنهاد جمهوری اسلامی جمهوریهای مسلمان نشین شوروی سابق بعنوان اعضای جدید «اکو» پذیرفته شدند و در اجلاس شرکت داشتند. آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور در سخنرانی افتتاحیه گفت:

«آنچه که برای این منطقه بسیار حساس و استراتژیک جهان حائز اهمیت جدی است ثبات و آرامش درازمدت است و این هدف بسیار مهم جز با تشریک مساعی همه جانبه کشورهای این منطقه عملی نمی‌گردد.

یکی از مسائل مطرح شده در اجلاس، ایجاد «بازار مشترک اسلامی» است. همان گونه که بارها تاکنون نوشته‌ایم تلاش برای پدیدآوردن بازار مشترکی در منطقه می‌تواند راهی به سوی تعادل و استقلال اقتصادی، خودکفایی کشاورزی، و همیاری در جهت بالاآوردن قدرت صنعتی باشد. انجام چنین برنامه‌ای هم به حفظ صلح و آرامش منطقه یاری خواهد داد و هم در نهایت مبارزه جدی و عملی با قدرتهای بزرگ اقتصادی، سیاسی و

نوروز

پروین اعتصامی



وزید و کرد گیتی را معنبر
به باغ و راغ، بُد پیغام آور
عروسان چمن را بست زیور
سترد از چهره، گرد بید و عرعر
بسیط خاک شد پر لؤلؤ تر
درختان را به تارک، سبز چادر
نپوشاندند رنگین حله در بر
هوا گردید مشکین و معطر
زمرد، همسر یاقوت احمر
به سر بنهاد نرگس، افسر زر
به کردار پریرویان کشر
زمین، چون صحف انگلیون مصور
گهی پیدا و دیگر گه مضمر
جهان، زآلوده کاریها مطهر

سپیده دم، نسیمی روح پرور
توپنداری، زفروردین و خرداد
به رخسار و به تن، مشاطه کردار
گرفت از پای، بند سرو و شمشاد
ز گوهر ریزی ابر بهاری
مبارکباد گویان، در فکندند
نماند اندر چمن یک شاخ کان را
ز بس بشکفت گوناگون شکوفه
بسی شد، بر فراز شاخساران
به تن پوشید گل، استبرق سرخ
بهاری لعبت، آراسته چهر
چمن، با سوسن و ریحان منقش
در اوج آسمان، خورشید رخشان
فلک، از پست رایبها مبرا

بهار آمده

زاله

فرو روند به بحر افق
جزایر ابر،
چو آفتاب شود.
اگر که کوه غمان،
قله یخ قطبی است،
ز آفتاب بهار امید،
آب شود.

بهار آمده،
با کوله بار مژده نو.
بهار آمده، خرم،
به خانه من و تو.

لندن، ۱۳۷۰

بهار آمده،
با کوله بار مژده نو.
بهار آمده، خرم
به خانه من و تو.
بهار سبز شکوفان،
بهار آمده است.
چگونه من نشکوفم؟
کم، از درخت نی ام،
که پای تا سر خشکش
پر از جوانه شود.
هزار نغمه روشن،
تراود از دل من،
چمن، زشادی مرغان
چوپر ترانه شود.
نه از پرنده بگیرند،
شوق خواندن را.
نه از نسیم — وزیدن
نه از سپیده — دمیدن
نه عشق روشن من را:
به هر چه پاک ترین است،
هر چه که زیباست.
به چشمه ها و به چشمان،
به گل،
به سبزه،
به نوروز،
که یادگار فراسوی سایه روشنهاست.